عکس: ایرنا

عیسی کلانتری: دولت چاره‌ای جز توقف کشت و پرداخت غرامت به کشاورزان اطراف دریاچه ارومیه ندارد

# پروژه‌های احیا رها شد و دریاچه در شرف مرگ است

گفت وگو

زهرا کشوری
دبیر گروه زیست‌بوم

**عیسی کلانتری ۱۶ سال وزیر بود. ۹ سال دبیر ستاد ملی احیای دریاچه ارومیه بود. چهار سال هم مسئولیت سازمان حفاظت محیط زیست کشور را به عهده داشت. کلانتری در این گفت‌وگو منتقد وضعیت دریاچه ارومیه است. گسترش کشاورزی را مهم‌ترین دلیل خشک شدن این دریاچه می‌داند. او در گفت‌وگو با روزنامه ایران بارها یادآور می‌شود که دریاچه ارومیه را خشکاندند، بدون آنکه به عملکرد مدیران دوره‌های گذشته که بطور مشخص در سرنوشت دریاچه ارومیه تأثیر گذاشتند، اشاره کند.**

**تازه‌ترین خبرها می‌گوید که دریاچه ارومیه دیگر قابل احیا نیست آیا شما این گزاره را قبول دارید؟**

دریاچه ارومیه اهمیت بالایی دارد، اما در ۲۵ سال اخیر به دلیل قوانین نادرست، محدودیت‌های اقتصادی، مسائل بین‌المللی، کاهش درآمدهای ملی و فشار بر منابع تجدیدپذیر، بسیاری از دریاچه‌های کشور را از دست داده‌ایم.

منابعی چون آب، خاک، مواد ژنتیکی و پوشش گیاهی تحت فشار شدید قرار دارند و نه‌تنها امکان تجدیدپذیری آنها از بین رفته، بلکه بقای‌شان نیز به‌شدت تهدید می‌شود. دریاچه ارومیه نمونه‌ای از نتایج غلط سیاست‌گذاری در مدیریت آب ایران است، مانند جازموریان، بختگان، هورالعظیم، شادگان، کافتر، گاوخونی، دریاچه نمک و بسیاری از رودخانه‌ها که قربانی همین رویکردها شده‌اند.

**دلیل اصلی این بحران چیست؟**

چون برای افزایش تولید کشاورزی، حقابه زیست‌بوم‌ها را مصرف کردیم، با سدسازی، پمپاژ بی‌رویه و انتقال آب، منابع زیرزمینی را تخلیه کردیم و از جمله دریاچه ارومیه را خشکاندیم.

**احیای دریاچه ارومیه یکی از وعده‌های انتخاباتی آقای روحانی بود؟**

بله. آقای روحانی در سال ۹۲ پیش از انتخابات در ارومیه قول دادند که احیای دریاچه اولین مصوبه دولتشان باشد. پس از پیروزی، در اولین جلسه هیأت دولت، «ستاد احیای دریاچه ارومیه» را بر اساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی تشکیل دادند؛ ستادی متشکل از وزرای نیرو، کشاورزی، کشور، صنعت و اقتصاد، رئیس سازمان برنامه و بودجه و استانداران کردستان، آذربایجان شرقی و غربی.

**با وجود خشک شدن بسیاری از دریاچه‌ها به‌دلیل مدیریت نامطلوب آب، چرا فقط دریاچه ارومیه برای احیا انتخاب شد؟ آیا صرفاً به خاطر درخواست یک شهروند تبریزی بود؟**

نه. دریاچه ارومیه به‌دلیل انباشت ۱۳ میلیارد تن نمک زیر بستر خود، منبع غبار نمکی در شعاع ۱۰۰ کیلومتری است که زندگی ۶ میلیون نفر را تهدید می‌کند. این پدیده موجب افزایش بیماری‌های پوستی و سرطان، آسیب‌های زیست‌محیطی، اختلال در کشاورزی و حذف زنبور عسل شده و خسارات جدی برای منطقه به‌همراه دارد.

برخلاف دریاچه ارومیه، سایر دریاچه‌های کشور ـ مانند جازموریان با جمعیتی حدود ۱۰۰ هزار نفر در پیرامون آن، گاوخونی در فاصله ۱۰۰ کیلومتری اصفهان و دریاچه قم در ۶۰ کیلومتری این شهر. به دلیل فاصله نسبتاً زیاد از مراکز پرجمعیت کمتر در معرض چنین تهدیدهایی قرار دارند. اما دریاچه ارومیه به‌واسطه جمعیت انبوه اطراف و گستردگی غبار نمکی، به بحرانی زیست‌محیطی و انسانی با ابعاد بین‌المللی بدل شده است.

این وضعیت بحرانی نیازمند اقدامات فوری برای احیای دریاچه ارومیه و کاهش پیامدهای زیست‌محیطی و انسانی است. با توجه به جمعیت زیاد اطراف دریاچه در مقایسه با نمونه‌ای مانند دریاچه اورال ترکیه، آقای روحانی ستاد احیای دریاچه ارومیه را تشکیل داد.

**و ستاد احیا تشکیل شد؟**

قرار شد در عرض شش ماه کنسرسیومی از حدود ۱۱ دانشگاه کشور، با محوریت دانشگاه صنعتی شریف و مشارکت دانشگاه‌های ارومیه، تبریز، تهران، امیرکبیر، شهید بهشتی، شیراز و مشهد تشکیل شود. از مشاوران خارجی از استرالیا تا آمریکا و روسیه تا انگلیس نیز استفاده شد. دانشگاه شریف نقش هماهنگی داشت و گروه ۷۰۰ نفره‌ای شامل ۶۰ کارشناس خارجی داده‌های مورد نیاز را گردآوری کردند. در نهایت، کنسرسیوم ۲۷ پیشنهاد ارائه کرد که می‌توانست دریاچه ارومیه را طی ۱۰ سال احیا کند.

عکس: سجاد صفری/ ایران

برنامه ۱۰ ساله احیای دریاچه شامل پنج سال اول اقدامات زیربنایی و نرم‌افزاری بود که یکی از مهم‌ترین بندهای آن در جلسه هشتم تیر ۱۳۹۳ تصویب شد.

طبق پیشنهاد دانشگاه صنعتی شریف، برای جلوگیری از خشک‌شدن کامل دریاچه قرار شد در چهار سال اول سالانه ۵۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی آبیاری نشود و به کشاورزان غرامت پرداخت شود تا کمبود محصولات از طریق واردات جبران شود. این طرح به‌عنوان راه‌حل موقت تا تکمیل پروژه‌های سخت‌افزاری تصویب شد، زیرا در غیر این صورت دریاچه به «پلایا» تبدیل می شد .

حدود دو ماه بعد، تحت فشار نمایندگان آذربایجان غربی و تعدادی از آذربایجان شرقی، آقای روحانی از اجرای مصوبه عدول کرد و دستور توقف آن را داد؛ بنابراین خرید آب از کشاورزان عملی نشد.

**یعنی از طرح «نکاشت» (که از آن به‌عنوان یک جراحی بزرگ یاد می‌شد) به سمت «به کاشت» رفتید؟**

«به کاشت» بود ولی طرح نکاشت برای سه سال اول احیا بود که دریاچه کامل خشک نشود. چون وقتی ما در سال ۹۲ طرح احیا را شروع کردیم چیزی کمتر از ۲ میلیارد متر مکعب آب داشت که الان به صفر رسیده است. با وجود این، آقای حمید چیت‌چیان، وزیر وقت نیرو، کمک کرد و توانست نزدیک به ۵۰ درصد حقابه دریاچه اضافه کند تا بخشی از کمبود جبران شود، هرچند این اقدام جایگزین خرید آب از کشاورزان نشد.

**ولی از کشاورز آب نخریدید؟**

اصلاً نشد که بتوانیم آب بخریم. گفتند آن ۵۰ هزار هکتار باید کشت شود. از نگاه ستاد احیا، منطقی‌ترین و عاقلانه‌ترین راه تأمین آب، استفاده از منابع آبی حوزه خود دریاچه بود. در سال ۱۳۵۷، سطح زیر کشت در حوزه ۵۲ هزار کیلومتر مربعی دریاچه ارومیه حدود ۱۹۲هزار هکتار بود؛ اما اکنون این رقم به نزدیک ۶۰۰ هزار هکتار رسیده که تمام این افزایش، از حقابه دریاچه برداشت شده است. همین گسترش سطح زیر کشت، علت اصلی خشک شدن دریاچه محسوب می‌شود.

**برنامه‌های انجام شده بیشتر سخت‌افزاری و در راستای انتقال آب بود. یعنی از سدها آب برداریم؛ خب در دولت حسن روحانی، وزارت نیرو همکاری کرد اما در دولت بعد نه. ظاهراً برنامه‌ها ریشه‌ای نبود.**

شما اجازه بدهید توضیح می‌دهم. از نگاه ستاد احیا، منطقی‌ترین و پایدارترین راه، تأمین آب از حوزه خود دریاچه بود. با این حال، فشارهایی از سوی گروهی برای بررسی طرح انتقال آب از دریای خزر وجود داشت. طبق این طرح، قرار بود سالانه یک میلیارد متر مکعب آب از خزر پمپاژ و به دریاچه ارومیه منتقل شود.

ما مخالفت کردیم اما زیر فشار بودیم. چون آب دریای خزر عمدتاً دارای املاح سولفاته است، درحالی که آب دریاچه ارومیه سرشار از املاح کلراته. میزان محلولیت املاح سولفات ۸۵ برابر کمتر از کلرات است؛ بنابراین اگر آب خزر وارد دریاچه ارومیه می‌شد، ظرف یک سال لایه‌ای غیرقابل حل در کف آن تشکیل می‌داد و دریاچه را به «پلایا» تبدیل می‌کرد که عملاً نابودی کامل آن بود. با وجود این هشدارها، دولت تصمیم گرفت برای بررسی بیشتر، از کارشناسان نروژی استفاده کند. نتایج تحقیقات آنها نیز صحت نظر سازمان حفاظت محیط زیست و دانشگاه شریف را تأیید کرد و در نهایت، این پروژه ۱۴میلیارد دلاری بود که متوقف شد.

طی هشت سال دولت روحانی، با اجرای طرح‌های داخلی و تأمین تدریجی آب، دریاچه از خطر خشک‌شدن رهایی یافت. در این مدت، پروژه بزرگ انتقال آب «زاب» نیز در دست اجرا بود که شامل ۳۶ کیلومتر تونل و حدود ۲۵ کیلومتر کانال بود. ۸ سال طول کشید. این پروژه پس از سال‌ها کار، در زمستان ۱۴۰۰ به بهره‌برداری رسید. انتقال آب از رودخانه زاب به دریاچه سالانه ۶۰۰ میلیون متر مکعب بود، اما مقاومت‌هایی وجود داشت، بویژه در کاهش تخصیص آب کشاورزان و جلوگیری از توسعه کشاورزی. استانداران آذربایجان غربی بشدت با این موضوع مخالفت می‌کردند، هم به دلیل کاهش توسعه زمین‌های کشاورزی و هم محدود شدن استفاده از منابع آب.

نکته جالب این بود که از حوزه دریاچه ارومیه سالیانه ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار تن چغندر در سال به مشهد و اصفهان صادر می‌شد. جلوی این صادرات را گرفتیم؛ زیرا سالیانه حدود ۱۳۰ میلیون متر مکعب آب دریاچه به‌صورت چغندر قند به اصفهان و مشهد صادر می‌شد.

همزمان با پایان پروژه‌های سخت‌افزاری، کارهای نرم‌افزاری برای افزایش بهره‌وری آب نیز آغاز شد. ببینید، در حوزه دریاچه ارومیه قبلاً هیچ محدودیت آبی وجود نداشت و مصرف آب کشاورزان ۱٫۳۸ صدم ET بود، در حالی که اگر بیش از ۰٫۸ باشد این خودش محصول را کم می‌کند ولی چون آب مفت و مجانی فراوان بود، کشاورزان حتی در آبیاری تحت فشار هم بیش از نیاز مصرف می‌کردند.

ما گفتیم ۴۰ درصد مصرف آب کشاورزی باید کاهش یابد و شروع کردیم. تا سال ۱۴۰۰ به حدود ۳۱ صدم ET رسیده بودیم، یعنی کاهش ۴۰ درصدی تقریباً محقق شده بود.

در پایان دولت روحانی (۳۱ شهریور ۱۴۰۰)، دریاچه ارومیه با ۴ میلیارد مترمکعب آب تحویل دولت بعد شد، در حالی که در سال ۱۳۹۲ نزدیک ۲٫۲ میلیارد متر مکعب آب داشت و هنوز پروژه‌های خارج از حوزه وارد دریاچه نشده بود و پروژه‌های نرم‌افزاری نیز کامل نشده بود.

در دولت قبل، افرادی که مخالف کنترل آب کشاورزی بودند فشار آوردند و کار رها شد. یعنی ما هرسال برای کنترل برداشت آب، سردهنه‌های برداشت از رودخانه‌ها (حدود ۱۳۸ دهنه) را زمستان‌ها می‌بستیم و بهار باز می‌کردیم تا سهم دریاچه تأمین شود. اما این کار در دولت بعد انجام نگرفت و پروژه‌های احیا تقریباً رها شد و امروز دریاچه در شرف مرگ است.

**خشک شدن دریاچه، چه پیامدهایی به لحاظ بهداشت محیط‌زیست انسانی به دنبال خواهد داشت؟**

در سال ۱۳۹۴ هنوز گرد و غبار نمکی دریاچه مهار نشده بود. ما با پوشش گیاهی و قرق (جلوگیری از ورود گوسفند به منطقه)، گرد و غبار را در ۴۰۰ هزار هکتار مهار کردیم و از ۱۸۰ هزار هکتار قرق هم حفاظت شد. قبل از این اقدامات، غبار نمکی باعث آسیب جدی شده بود؛ دامپزشکی آذربایجان غربی گزارش داد سرطان پوست در حیوانات ۲۰ برابر شده است. همچنین بررسی‌های دانشگاه علوم پزشکی تبریز مشخص کرد سیستم تنفسی کودکان در چند روستا به‌شدت آسیب دیده است و نیز زنبورهای عسل در شرق دریاچه فعالیت خود را از دست داده‌اند؛ چرا که گرد و غبار نمکی باعث می‌شود زنبورها کندو را ترک کنند، بنابراین مسیر خود را گم می‌کنند و نمی‌توانند به گل‌ها برسند. این مسأله سبب توقف گرده‌افشانی و کاهش شدید محصولات کشاورزی می‌شود.

مهم‌تر اینکه در آن زمان نتوانستیم تأثیرات طولانی‌مدت را از نظر مدل‌سازی بررسی کنیم. هم‌اکنون امیدوارم با استفاده از هوش مصنوعی بتوانیم بررسی‌های لازم را انجام دهیم، چون اختلاف دمای زمستان و تابستان با خشک شدن دریاچه می‌تواند تا ۶ درجه افزایش یابد؛ یعنی زمستان‌ها سردتر و تابستان‌ها گرم‌تر شود. پیامدهای ژنتیکی این تغییرات برای انسان، حیوان، گیاه و میکروب هنوز برای ما ناشناخته است و باید گفت در حال حاضر هوای تبریز از تهران گرم‌تر است.

> اختلاف دمای زمستان و تابستان با خشک شدن دریاچه می‌تواند تا ۶ درجه افزایش یابد؛ یعنی زمستان‌ها سردتر و تابستان‌ها گرم‌تر شود. پیامدهای ژنتیکی این تغییرات برای انسان، حیوان، گیاه و میکروب هنوز برای ما ناشناخته است و باید گفت در حال حاضر هوای تبریز از تهران گرم‌تر است

**دلیل آن را خشک شدن دریاچه ارومیه می‌دانید؟**

یکی از دلایل خشک شدن دریاچه است. یعنی معلوم نیست چه اتفاقاتی خواهد افتاد.

**پیامدهای خشک شدن دریاچه ارومیه فراتر از آسیب به زنبورهاست. وضعیت کنونی منطقه تفاوتی با بیابان‌های ریگی خوزستان ندارد.**

هم‌اکنون وضعیت بخش‌هایی از دریاچه بدتر از خوزستان است و کاهش زنبور عسل مستقیم روی زندگی انسان‌ها اثر می‌گذارد. اگر انسانی وجود نداشته باشد، دریاچه و کویر اهمیتی ندارد.

**اگر برنامه ستاد احیای دریاچه ارومیه در دولت رئیسی ادامه پیدا می‌کرد، عملکرد ستاد ملی احیا در دوران روحانی قابل دفاع بود؟**

اگر روند احیا ادامه پیدا می‌کرد، هم‌اکنون دریاچه ارومیه به جای صفر مترمکعب، حدود شش‌ونیم میلیارد مترمکعب آب داشت.

**این موضوع را به‌رغم افزایش وسعت کشاورزی در زمان مدیریت شما بر ستاد احیا می‌گویید؟**

ما محدودیت ایجاد کرده بودیم. آن محدودیت‌ها برداشته شده است. به عنوان مثال خروج چغندر قند از استان ممنوع شده بود و پلیس اجازه خروج کامیون‌های حامل چغندر قند را نمی‌داد. کارخانجات مشهد و اصفهان هم نمی‌توانستند محصولات بخرند.

**ولی کارخانه جدید قند به داخل استان آوردند.**

آن را بعداً به داخل آوردند.

**در زمان مدیریت شما بود.**

ببینید، در تمام کشور این مشکل را داریم. به بهای نابودی محیط زیست از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب توسعه کشاورزی داده‌ایم و همچنان می‌دهیم و بعد صحبت از امنیت غذایی می‌کنیم. به نظر من این اتفاقات عجیب و غریب ریشه در قانون انحرافی «توزیع عادلانه آب» داشت که حواشی وزارت نیرو(مهندسان مشاور و پیمانکاران) به صورت طرح به مجلس دادند و در سال ۱۳۶۱ تصویب شد. بنابراین سرنوشت آب را به دست یک نفر به نام وزیر نیرو سپردیم که نه رئیس جمهوری و نه نماینده مجلس حق دخالت ندارند. تمام سدسازی‌ها، تعطیلی محیط زیست و نقض حقابه‌ها نتیجه همین قانون بود.

**در زمان فعالیت ستاد احیا، با بستن دهنه سدها در فصل غیرکشت، حقابه دریاچه را تأمین کردیم و مانع مرگ آن شدیم، اما نمی‌توان گفت دریاچه احیا شد.**

نه، ببینید احیا قرار بود تا سال ۱۴۱۲ اتفاق بیفتد.

**اما به قول خودتان به خاطر فشارهایی که ممکن بود به بحران اجتماعی هم ختم شود، نتوانستیم کشاورزی را کاهش دهیم.**

ما نمی‌خواستیم کشاورزی را به‌آن صورت کاهش دهیم. ما به دنبال کاهش حقابه بودیم. هدف ما این بود که از ۱.۳۸ ترانسپایریشن (تعریق گیاه)، سهم کشاورزی را به ۰.۸ برسانیم.

**خب شما به کشاورزان گفتید چغندر نکارند، اما بازاری برای محصولات کم‌آب‌بر که مثل چغندر درآمدزا باشد تعریف نکردید، چون کشاورز درآمدزایی خوبی داشت.**

چغندرکاران درآمد خوبی داشتند اما به بهای نابودی دریاچه.

**کشاورز همیشه زمینش را در اولویت قرار می‌دهد.**

بله می‌دانم. ولی در همان مناطقی که کاهش آب از ۱.۳۸ به ۰.۸ مترمکعب رسید، براساس گزارش وزارت جهاد کشاورزی عملکرد کاشت محصولات ۱۷ درصد افزایش یافت؛ نه‌تنها کاهش محصول اتفاق نیفتاد، بلکه وضعیت کشاورزی بهبود پیدا کرد، زیرا ریشه‌های گیاهان شرایط هوایی مناسب‌تری داشتند و آب هدر نمی‌رفت.

ما نباید اجازه می‌دادیم توسعه کشت جدید اتفاق بیفتد. کشت‌های موجود هم باید ۴۰ درصد آب را صرفه‌جویی می‌کردند. دولت برنامه داشت سیستم‌های آبیاری تحت فشار را به صورت رایگان برای کشاورزان نصب کند و صددرصد سرمایه‌گذاری آن را انجام دهد، اما فشارهایی از سوی نمایندگان محلی و ذینفعان وارد شد. برای مثال، زیر سد حسنلو کشت چغندر ممنوع اعلام شده بود اما وزارت نیرو از سهم دریاچه ارومیه آب برداشت و کشاورزان توسعه کشت دادند. حدود ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ هکتار از آب دریاچه استفاده شد. گفته شد فقط می‌توانند جو و گندم بکارند، اما دوباره چغندر و یونجه کاشته شد. کنترل از دست ستاد احیا خارج شد، زیرا وقتی استاندار ذینفع، دبیر ستاد شود، نمی‌تواند در مقابل خواسته‌های مردمش مقاومت کند و این مشکل تا امروز نیز ادامه دارد.

**راهکار چیست؟**

راهکار این است که مسئولیت دریاچه از سطح استان خارج و به سطح ملی منتقل شود. باید یک ستاد ملی قوی زیر نظر شخص رئیس‌جمهوری تشکیل شود، قبل از اینکه خیلی دیر شود. اگر همین روند یک سال دیگر ادامه پیدا کند، قابلیت احیای دریاچه از بین می‌رود. این ستاد علمی باید تحت مسئولیت یکی از دانشگاه‌های کشور با هماهنگی سایر دانشگاه‌ها باشد و وزرای ذیربط یا استانداران نتوانند در حوزه دریاچه دستور صادر کنند.

**عملکرد دانشگاه شریف در احیای دریاچه ارومیه با انتقاد مواجه شده است. می‌خواستند با روشی دریاچه را نجات بدهند که خشک شد؛ یعنی انتقال آب.**

انتقال آب در کجا؟

**بزرگ‌ترین طرح ستاد احیا، انتقال آب زاب بود.**

این انتقال آب، سالانه ۶۰۰ میلیون مترمکعب از حقابه ما را تأمین می‌کند. ما از آب زاب استفاده نمی‌کنیم، چرا که ظرفیت توسعه‌ای برای بهره‌برداری از آن نداریم و پیش از این، این آب از کشور خارج می‌شد.

**همین الان کشاورز دارد از این خط انتقال استفاده می‌کند؛ یعنی دوباره گسترش کشاورزی!**

خیلی خب؛ این وضعیت از بی‌تدبیری مسئول است. طرح زاب، از قبل از انقلاب وجود داشت، با این هدف که توسعه کشاورزی با آب دریاچه انجام نشود و از حقابه ما از زاب استفاده شود. اما آب حوزه دریاچه ارومیه را صرف توسعه کردیم، گفتیم آن حقابه را برای دریاچه بیاوریم. حتی دولت روحانی تصویب کرد که از دریاچه تا خروجی آب از تونل، منطقه حفاظت‌شده باشد. سازمان محیط زیست مکلف بود با افرادی که به این کانال تجاوز می‌کنند، برخورد فیزیکی کند. دو پاسگاه محیط زیست ایجاد شد و محیط‌بانان موظف هستند همانند برخورد با شکارچیان غیرمجاز عمل کنند. این‌ها نتیجه فشار ناشی از استانی شدن پروژه است.

**الان این نگرانی وجود دارد که دوباره دانشگاه‌ها انتقال آب را برای احیای دریاچه ارومیه تجویز کنند؟**

از میان ۲۷ طرح مصوب برای احیای دریاچه ارومیه، تنها یکی مربوط به انتقال آب بوده است. به عنوان نمونه، در دولت روحانی، پروژه تصفیه‌خانه فاضلاب تبریز و انتقال پساب آن به دریاچه ارومیه تا ۹۵ درصد پیشرفت داشت و تنها ۵ درصد کار باقی مانده بود. طبق برنامه، این پساب تصفیه‌شده باید به دریاچه منتقل می‌شد. چرا منتقل نکردند؟ چون برداشتند و مصرف کردند. این طرح می‌توانست سالانه ۲۶۰ میلیون مترمکعب آب وارد دریاچه کند.

بر اساس برنامه‌های احیا، علاوه بر ۶۰۰ میلیون مترمکعب، سالانه ۸۶۰ میلیون مترمکعب دیگر نیاز بود که بخشی از آن با کاهش ۴۰ درصدی حقابه کشاورزان و بخشی دیگر از حقابه رودخانه‌ها تأمین می‌شد تا در مجموع ۳.۶ میلیارد مترمکعب آب وارد دریاچه شود.

اگر برنامه‌ها کامل اجرا شده بود، دریاچه ارومیه اکنون حداقل ۶.۵ میلیارد مترمکعب آب داشت و تا سال ۱۴۱۲ با ۱۴.۷ میلیارد مترمکعب به تراز اکولوژیک خود می‌رسید. اما اهمال‌کاری و اجرای ناقص طرح‌ها این هدف را دور از دسترس کرده است. حالا به دانشگاه شریف نمی‌خواهند بدهند، به دانشگاه تهران، به دانشگاه بلوچستان اصلاً به یک دانشگاه ترکیه‌ای داده شود. چون با این وضعیت، دریاچه احیا نخواهد شد.

**باید به دنبال راهکاری بود که بحران اجتماعی در پی نداشته باشد.**

ما بحران اجتماعی نداشتیم. مردم اتفاقاً سال‌های ابتدایی بیشتر از مسئولان همکاری کردند.

**مشاهدات من به‌عنوان خبرنگار این حوزه حرف شما را تأیید نمی‌کند. مثلاً به روستاییان گفته بودند که شغل جایگزین برای شما تعریف می‌کنیم اما در اجرا با کمک خیریه‌ها چند چرخ خیاطی برای زنان یک روستا تهیه شد. معلوم است که کشاورز با طرح همکاری نمی‌کند چون بازار ملموس خودش را دارد. بنابراین آن چیزی که من دیدم، با چیزی که شما می‌گویید، همخوانی ندارد.**

ببینید شما ممکن است که دو تا روستا رفته باشید. ما اول مقاومت داشتیم. دوسال به تحریک نمایندگان وقت آذربایجان غربی مقاومت وجود داشت، آذربایجان غربی همکاری نمی‌کرد. چون آب زیاد داشت. چون قربانی شرق است، بی‌آبی را بیشتر آذربایجان شرقی احساس می‌کرد، گرد وغبار را هم، چون جریان باد از غرب به شرق است. مردم اول مقاومت کردند. استانداران وقت تا آخر مخالفت می‌کردند. همکاری نمی‌کردند. خود آقای روحانی اول حرف ما را قبول نداشت، اما در نهایت به نتیجه رسید و همین موضوع سبب شد استاندار آذربایجان غربی عزل شود. بعد از آن هم فرقی نکرد چون در دولت آقای رئیسی مسئولیت را به استاندارها سپردند.

**پس استان آذربایجان شرقی بیشتر ضرر دیده است؟**

۹۰ درصد ضرر برای آذربایجان شرقی است ولی ۹۰ درصد آب حوزه در آذربایجان غربی قرار دارد.

**پس مردم و مسئولان آذربایجان غربی هنوز مشکل کم‌آبی را جدی نگرفته‌اند؟**

نخیر جدی نگرفته‌اند.

**الان وضعیت دریاچه ارومیه چگونه است؟**

مساحت دریاچه حدود ۵۳۰۰ کیلومتر مربع است که نزدیک به ۱۳۰ کیلومتر مربع آن دیگر قابلیت احیا ندارد. این بخش در ضلع جنوب‌شرقی، جایی که رودخانه زرین‌رود وارد دریاچه می‌شود، به دلیل شیب منفی و رسوب‌گذاری پر شده است. بنابراین این ۱۳۰ کیلومتر مربع باید به‌عنوان منطقه حفاظت‌شده «دریایی- باتلاقی» در نظر گرفته شود و تنها ۴۳۰۰ کیلومتر مربع باقی‌مانده را می‌توان احیا کرد.

با اسکن این بارکد، فیلم گفت و گوی فوق را در ایران آنلاین ببینید

**روزنامه ایران آمادگی خود را برای انعکاس نظر مسئولانی که در این مصاحبه به آنها اشاره شده و متخصصانی که نظرات متفاوتی دارند، اعلام می‌کند. مطمئنا بحث خشکیدگی دریاچه ارومیه به عنوان پدیده‌ای ملی در آینده از طرف روزنامه پیگیری خواهد شد.**

## تبعات وحشتناک خشک شدن دریاچه

اگر آقای پزشکیان بخواهد دریاچه را از خشکسالی سال آینده نجات دهد، باید با پرداخت پول به کشاورزان، کاری کند چند سال زمین‌ها کشت نشوند.

درآمد ارزی کشاورزی حوزه دریاچه ارومیه حدود ۱.۲ میلیارد دلار در سال است، اما هزینه‌های جانبی و بهداشتی ناشی از خشک شدن دریاچه برای مردم منطقه، سالانه چندین میلیارد دلار برآورد می‌شود. این نشان می‌دهد که اثرات اقتصادی و اجتماعی خشک شدن دریاچه فراتر از درآمد کشاورزان است و امنیت آب آشامیدنی را نیز تهدید می‌کند.

در زمان جنگ، تعداد مهاجران کمتر از یک میلیون نفر بود و شهرهای شیراز، اصفهان و تهران با مصایب اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو شدند. اکنون با حدود ۶ میلیون نفر در حوزه دریاچه و شهرهای اطراف، از جمله تبریز با دو تا سه میلیون نفر جمعیت، مسأله فراتر از محیط زیست رفته و به موضوع مرگ و زندگی مردم تبدیل شده است. اگر تدبیری اندیشیده نشود، مردم ناگزیر به تنفس نمک در محیطی خشک خواهند بود.